

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

امین «سیماب»

۲۸ اپریل ۲۰۱۰

تصحیح نکته ای مهم در رابطه با مقدمه مصاحبه دیروز

با ابراز سپاس از متصدیان پورتال ملی - دموکراتیک «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» و به خصوص محترم دیپلوم انجینیرنسرین «معروفی» به خاطر زحمتی که در تهیه مصاحبه با من به خود دادند ، نکته ای را می خواهم دقیق نمایم که نتیجه سوء تفاهم و احتمالاً ناشی از کیفیت نارسای صوت در تهیه مقدمات مصاحبه بوده است. آن نکته مربوط می شود به رهائی من بعد از حبس حدود سه هفته از زندان پلچرخ ، در بهار سال ۱۳۵۹ (متعاقب اشغال نظامی افغانستان توسط استعمار شوروی). برای جلوگیری از تبدیل یک سوء تفاهم به سوء تعبیر ، توضیح مطلب را ضروری دانستم :

در مقدمه مصاحبه اشتباهاً ذکر شده که من به یاری یک محصل پوهنتون از زندان رها شدم. برای تصحیح و تصریح موضوع باید یادآور شوم که کدام محصل و یا فرد دیگری موجب رهائی من از زندان نشد زیرا در آن صورت ، آن محصل یا آن فرد ، حتماً عضو حزب وطن فروش و جنایتکار «دموکراتیک خلق» و حایز نوعی قدرت و صلاحیت ، و یا حداقل ، شناخت و اعتبار نزد باند بر سر اقتدار می بود. رهائی من از زندان مشخصاً به دلیل درج هویت من در فهرست توسط خودم «متفرقه» (زندانیان دارای مشاغل مختلف و جدا از محصلان و استادان پوهنتون) ، و بعداً به طور تصادفی صورت گرفت ، که البته احترام ، حسن نظر و اصرار مخفیانه جمعی از محصلان در درج نام من در فهرست «متفرقه» ، در آن نقش داشت ؛ و این در حالی بود که با هیچکدام از آن محصلان شناخت قبلی نداشتم ولی روحیه آزادیخواهی و تفرز بیگانه متجاوز و نوکران زبون داخلی شان طوری بود که زندانیان ، با هم به سان اعضای عین خانواده رفتار می نمودند. ذکر این نکته ، شرح کوتاه از جریان روز دستگیری را ایجاب می نماید.

در مورد تظاهرات با شکوه و دلیرانه محصلان که موجب دستگیری من و تعداد زیادی از محصلان پوهنخی های مختلف پوهنتون (وشاید هم شماری از استادان در آن جمع) شد ، می توان به درازا نوشت. آنچه مسلم است اینکه فضاء ، فضای خشم انقلابی علیه یک نظام مزدور ، فاشیستی و عمیقاً ضد مردمی بود که فقط بربک ابر قدرت استعماری و تاندان مسلح اتکاء داشت ، که البته آن خود فروشی به بیگانه متجاوز و عدم وجود پشتوانه توده ئی باند وطن فروش خلق و پرچم را تکامل اوضاع و جریانات تاریخی بعدی به ثبوت رساند.

در جریان تظاهرات که تعداد اشتراک کنندگان ، اعم از پسر و دختر ، به هزاران نفر می رسید ، پیهم «زنده باد همبستگی محصلان پوهنتون کابل!» صدازده می شد. من آهسته به یکی از تظاهرکنندگان سفارش نمودم که کلمه استادان را هم در شعار خود اضافه نمایند؛ که بدون تأمل اجراء شد. از همان لحظه به بعد ، شعار «زنده باد همبستگی محصلان و استادان پوهنتون کابل!» در جمله دیگر شعارهای پرابهت ، با متانت و شجاعت بی نظیر ، از حنجره ها فریاد زده می شد. البته ذکر این نکته ضروریست که واکنش و پیشنهاد من آنی و زاده شرایط بود ورنه من به عنوان فردی از ملت ، به حکم وجدان و بیان سپاس و تقدیر بی پایان از قیام دلیرانه و دشمن شکن محصلان پوهنتون کابل به جمع شان پیوسته بودم.

با آنچه گفته شد و باتکیه برچشمدیدهای خود و میزان احترام و همبستگی محصلان در برابر استادان در آن زمان ، با اطمینان می توانم بگویم که برخورد شریفانه تعدادی از محصلان در زندان و تلاش آرام شان برای رهایی من در متن اوضاع آن زمان ، برایم امری طبیعی می نماید و به وجود انسان هائی از آن تبار افتخار می نمایم. مدت نزدیک به یک سال تعلیمی که من افتخار تدریس در پوهنئی ادبیات و علوم بشری را داشتم ، پراز خاطرات گرانبها از محصلان شریف و شیرپاک پوهنتون ، در تقابل با معدود محصلان وطنفروش و جاسوس که استادان و دیگر محصلان را زیر تعقیب و پیگرد قرار می دادند ، می باشد. با سپاس مجدد!